

ترجمه و ویرایش (۱)

حسن لاهوتی

When some nineteenth-century New Yorkers said “Harlem”, they meant almost all of Manhattan above Eighty-sixth Street. However, toward the end of the century, a group of citizens in upper Manhattan — wanting, perhaps, to shape a closer and more precise sense of community — designated a section that *they* wished to have known as Harlem. The chosen area was the Harlem to which Blacks were moving in the first decades of the new century as they left their old settlements on the middle and lower blocks of the West Side.

As the community became predominantly Black, the very word “Harlem” seemed to lose its old meaning. At times it was easy to forget that “Harlem” was originally the Dutch name “Haarlem”; that the community it described had been founded by people from Holland; and that for the most part of its three centuries — it was first settled in the

در قرن نوزدهم، وقتی برخی مردم نیویورک می‌گفتند “هارلم”، منظورشان تقریباً همه آن بخش

با این حال (۱)

از مانهاتان بود که بالاتر از خیابان هشتاد و ششم قرار دارد. به هر حال، در اواخر همان قرن، گروهی از

اهالی (۲) مانهاتان علیا (۳) شاید بدین سبب که (۴)

شهروندان بالانشین مانهاتان — که شاید می‌خواستند اجتماع محلی برخوردار از مفهومی

محدودتر و اختصاصی‌تر ایجاد کنند — منطقه‌ای را برگزیدند که خود دلشان می‌خواست آن را

“هارلم” بخوانند. منطقه‌ای که آنان انتخاب کردند همین هارلمی است که سیاهپوستان، در نخستین

دهه‌های قرن اخیر، زمانی که محله‌های قدیمی خود واقع در خیابان‌های میانی و پائینی

وست ساید (۵)

سواحل غربی آمریکا را ترک گفتند، به آنجا نقل مکان کردند. وقتی سیاهپوستان در “هارلم” اکثریت

داده باشد (۷)

خود (۶)

یافتند، چنین بنظر می‌رسید که این کلمه معنی قدیمش را از دست می‌داد. گاهی اوقات به آسانی

و (۸)

فراموش می‌شد که “هارلم” (Harlem) در اصل همان اسم هلندی “هارلم” (Haarlem) است؛ که

اجتماعی را وصف می‌کند که هلندی‌های مهاجر آن را بنیان گذاشته‌اند؛ که در طول سه قرن قدمت

sixteen hundreds — it had been occupied by white New Yorkers. "Harlem" became synonymous with Black life and Black style in Manhattan. Blacks living there used the word as though they had coined it themselves — not only to designate *their* area of residence but to express their sense of the various qualities of its life and atmosphere. As the years passed, "Harlem" assumed an even larger meaning. In the words of Adam Clayton Powell, the pastor of the Abyssinian Baptist Church, Harlem "became the symbol of liberty and the promised land to Negroes everywhere."

By 1919 Harlem's population had grown by several thousand. It had received its share of wartime migration from the south, the Caribbean and parts of colonial Africa. Some of the new arrivals merely lived in Harlem; it was *New York* they had come to, looking for jobs and for all other legendary opportunities of life in the city. To others who migrated to Harlem, New York was merely the city in which they found themselves: Harlem was exactly where they wished to be.

آن، — هارلم اولین بار در دهه هزار و ششصد به صورت مسکونی درآمد — اکثر ایام، محل سکونت سفیدپوستان نیویورکی بوده است. نام "هارلم" با زندگی و روش سیاهان ساکن مانهاتان مترادف گردید. سیاهپوستانی که در آنجا زندگی می‌کردند این کلمه را — نه تنها برای اطلاق به محل سکونت خود، بلکه برای بیان مفهومی که از کیفیات گوناگون زندگی و فضای هارلم در سر داشتند — طوری به کار می‌بردند که گویی خود آن را ابداع کرده‌اند. به مرور زمان، "هارلم" حتی معنای وسیعتری به خود گرفت. به قول

معنایی از این هم وسیعتر (۹)

در نظر (۱۰)

آدام کلیتون پاول، کشیش کلیسای باپتیست‌های حبشی، "هارلم"، برای سیاهپوستان همه دنیا، سمبل آزادی و سرزمین موعود شد. تا سال ۱۹۱۹، جمعیت هارلم به چند هزار نفر افزایش یافت. هارلم هم از مهاجران زمان جنگ، که از سواحل جنوبی، جزایر کارائیب، و از نواحی مستعمره آفریقا آمده بودند بی‌نصیب نماند. بعضی از تازه‌واردان در هارلم فقط زندگی می‌کردند: این نیویورک بود که آنان

تا (۱۲)

واردش شده بودند، و به دنبال کار و دیگر فرصت‌های افسانه‌ای زندگی در این شهر بگردند. برای

در آنجا به استعدادهای بالقوه

دیگر افرادی (۱۳)

برخی افرادی دیگر که به هارلم مهاجرت کردند، نیویورک صرفاً شهری بود که آنها خودشان را در

و تمایلات خود پی بردند (۱۴)

آن یافتند: هارلم دقیقاً همان جایی بود که آرزو داشتند در آنجا باشند.

۱- however قید مغایرت (contrast) است، به معنی *but, on the other hand* و *nevertheless*. با این وصف و اما را هم می‌توان معادل آن گرفت.

۲- کلمه *شهروند* و صورت جمع آن، *شهروندان*، این روزها بسیار رایج است. اما ترکیب *شهر با* پسوند *وند* به معنای *شهرنشین* در فرهنگ‌های لغت نیامده است. فرهنگ معین سه معنی برای این پسوند ذکر کرده است: الف. *خداوندی و صاحبی*: دولت‌وند. ب. *شبهت*: *خداوند*، *فولادوند*. ج. *در آخر اسماء امکانه*: *دماوند*، *نھاوند*. *برهان قاطع* نیز ذیل *وند* آن را به معنی "صاحب و مالدار" مانند "دولتمند که او را دولت‌وند هم می‌گویند" آورده و علاوه بر آن معنی *ظرف* هم از *وند* افاده کرده است، مثل *آب‌وند* (آب + *وند*) = *ظرف آب*. *شادروان دکتر معین* در *حاشیه برهان قاطع* اضافه کرده است که "در زبان‌های باستانی ایران از *vant* مفهوم *دارنده* بر می‌آید، درست مانند *مند* در کلمات *آبرومند* و *نیرومند* و *خردمند*". حال *پسوند وند* با کلمه *شهر* = *شهروند* کدام یک از این معانی را می‌رساند؟ و یا این معانی را چگونه می‌توان معادل *citizen* قرار داد؟ این کلمه در زبان انگلیسی به کسی اطلاق می‌شود که اهل شهری یا کشوری باشد و تابعیت آن را پذیرفته باشد و بر طبق رسوم و آداب آنجا زندگی کند. در فارسی معادل‌هایی مثل *اهل*، *تابع*، *ساکن* و غیر آن را می‌توان در برابر *citizen* بکار برد.

۳- *upper* صفت است برای *Manhattan*

۴- عبارتی که در داخل *dash* به صورت *participle phrase* با *wanting* شروع شده بیان علت است. رک: ش ۱۲ همین مقاله، که در آنجا هم همین ساختار نحوی بکار رفته است، اما برای بیان منظور و قصد.

۵- *West Side* که با حرف بزرگ نوشته شده اسم خاص است و لذا قابل ترجمه نیست. وست ساید بخشی از نیویورک سیتی است که در سمت غربی مانهاتان واقع شده است.

۶- *very* در اینجا برای تأکید بکار رفته، یعنی در واقع *intensifier* است.

۷- در این جمله فعل *seem* از درجه واقعیت حادثه یا سخن می‌گاهد؛ به عبارت دیگر احتمال وقوع فعل را از درجه قطعیت تنزل می‌دهد. معمولاً مترجمان به جای *seem* در اینگونه کاربردها از همین معادل کلیشه‌ای *بنظر رسیدن* یا *بنظر آمدن* استفاده می‌کنند. افزودن کلمه *چنین* توجه خواننده را به نکته‌ای که بعد گفته می‌شود جلب می‌کند. زمان‌های التزامی زبان فارسی هم به ماکمک می‌کنند تا درجه وقوع فعل را کاهش دهیم. بنابراین گرچه فعل *lose* در متن اصلی التزامی نیست اما به سبب ترکیب آن با *seem* می‌توان بوی قطعی نبودن فعل را از آن استشمام کرد: *چنین بنظر می‌رسید که... از دست داده باشد*. استفاده از ماضی نقلی نیز این روزها رایج است: *چنین بنظر می‌رسید که... از دست داده است*. همانطوری که ملاحظه می‌کنید *داده* باشد بیش از *داده* است بر عدم قطعیت فعل حکم می‌کند.

۸- شبه جملاتی که با *that* (پس از فعل *forget*) آغاز شده عبارتهای اسمی (*noun clause*) است. به هنگام ترجمه، فقط اولین *that* را می‌توان مساوی حرف ربط که فارسی گرفت؛ بقیه این شبه جملات را بهتر است که با *او* عطف به هم پیوند دهیم. به مثالی از تاریخ بیهقی (تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض،

ص ۶۶۱) توجه کنید:

.... بگفت که میان ما و شما شمشیر است و لشگرها از برای جنگ فرستاده آمده است و ما اینک از بست حرکت می‌کنیم و به هرات خواهیم رفت. (تاریخ بیهقی، فیاض، ص ۶۶۱)
 ۹- قید even صفت larger را تشدید می‌کند یعنی intensifier است؛ اما حتی، در جمله فارسی مترجم، با کلمه معنا پیوند یافته است.

۱۰- حرف اضافه to جدا از معانی متعددی که دارد، برای ابراز نظر و عقیده نیز به کار می‌رود و چنانکه در فرهنگ لغت آکسفورد آمده است به معنی in the opinion of sb. یا from sb's point of view است. اما حرف اضافه برای در فارسی دارای چنین مفهومی نیست. ترکیباتی چون به نظر، در چشم، به عقیده و از دید معادل‌های مناسبی است. (نیز رک: ش ۱۳ همین مقاله)
 ۱۱- ضمیر it که این جمله با آن آغاز شده جمله‌ای را به وجود آورده است که در اصطلاح cleft sentence خوانده می‌شود. این‌گونه جملات از جمله‌ای به وجود می‌آیند که به دو clause تقسیم شده و هر یک دارای فعل اصلی مستقلی از نوع finite می‌باشد و در نتیجه قسمت خاصی از جمله اصلی را مؤکد می‌سازد. ساختار نحوی این‌گونه جملات چنین است:

it+ part of the verb be+ ...+ who /that,

در این متن از ترکیب در واقع برای ایجاد این تأکید استفاده کرده‌ایم.

۱۲- عبارتی که با looking for بعد از کما آغاز شده participle phrase است و برای بیان قصد و منظور به کار رفته است. تا، تا آنکه، تا اینکه را در فارسی می‌توان به همین منظور به کار برد.
 ۱۳- رک. ش ۹، همین مقاله.

۱۴- در توضیح معنی ترکیب اصطلاحی find oneself در فرهنگ لغت وستر آمده است:

Find oneself: to learn what one's real talents and inclinations are, and begin to apply them